



انترناسیونال

۲۳۹

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۳ فروردین ۱۳۸۷، ۱۱ اپریل ۲۰۰۸

منصور حکمت

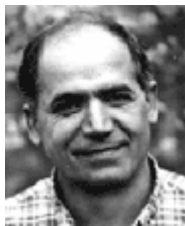
www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی



اصغر کریمی

کمیته اعتصاب

علیرغم فشار زیاد بر جنبش کارگری و رهبران کارگری در ایران، در سال های اخیر اعتصابات کارگری بی وقفه افزایش یافته و بر دامنه و عمق و طول اعتصابات افزوده شده است. در تاریخ جنبش کارگری در ایران، هیچگاه تعداد اعتصابات به این حد نرسیده بود. حتی در برخی مراکز کارگری، در هر کدام از آنها، سالانه ۳ صفحه

اول مه را بزرگ و با شکوه برگزار کنیم



شهلا دانشفر

آزادی محمود صالحی یکی از رهبران کارگری سرشناس در ایران، طومار اعتراضی بر سر خواست افزایش دستمزدها با بیش از سه هزار امضا که در آن اعلام شده که کارگران زیر بار ۲۰ درصد افزایش دستمزد کنونی نخواهند رفت و حتی با یک میلیون تومان در ماه نیز نمیتوان زندگی ای انسانی داشت، اعتراضات هر روزه کارگری از جمله اعتصاب هزاران کارگران نیشکر هفته تپه که هم اکنون در جریان است، و با لایحه توجه وسیع جهانی به مبارزات کارگران و کل جامعه و پشت سر گذاشتن روزهای همبستگی جهانی با کارگران ایران همچون ۶ مارس و غیره همه و همه فضای سیاسی و ملتپه کنونی را در آستانه فرارسیدن اول مه امسال به نمایش میگذارد.

این تعرضات، کارگری که حکم شلاق را در موردش به اجرا گذاشته بودند، صدای اعتراض را بلند کرد. گفت ما کوتاه نمی آیم. گفت می ایستیم و از افزایش دستمزدش سخن گفت و ما شاهد گسترش هر روزه اعتراضات کارگری بودیم. در چهارچوب همین سیاست بود که در فروردین سال گذشته رژیم اسلامی محمود صالحی یکی از رهبران کارگری سرشناس در ایران را دستگیر و زندانی کرد تا با ایجاد فضای رعب مانع برگزاری روز جهانی کارگر شود و مبارزات کارگران را عقب براند. اما امسال در نزدیکی اول مه تحت فشار اعتراضات و یک کمپین بین المللی گسترده کارگری، جمهوری اسلامی ناگزیر شد وی را آزاد کند. آزادی محمود صالحی که اتفاقاً جرمش برپایی مراسم اول مه بود، خود یک پیروزی بزرگ برای کارگران در ایران است و بدون شک تاثیرات خود را بر گرامیداشت قدرتمند این روز خواهد گذاشت.

بعبارت روشنتر اول مه امسال بدنیاال حمله رژیم به کارگران و به کل جامعه، بدنیاال زندانی کردن دهها دانشجو به جرم برپایی مراسم شانزده تیر، وحشت دارد. در مقابل همه

دومین کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران برگزار شد

کنفرانسی پر شور در جهت انزوای بین المللی و طرد جمهوری اسلامی ایران



دومین کنفرانس تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، روزهای شنبه و یکشنبه ۵ و ۶ آوریل، برگزار شد. اکثریت نمایندگان منتخب اعضا از کشورهای آلمان، سوئد، انگلیس، فنلاند هلند، فرانسه و دانمارک در کنفرانس حضور داشتند. همچنین، تعدادی دیگری از نمایندگان از سوئد، نروژ، کانادا و آمریکا از طریق اینترنت در جریان

کنفرانس قرار داشتند. علاوه بر نمایندگان، ده ها نفر دیگر در کنفرانس شرکت کردند. بدنیاال خوشامدگویی توسط ۲ صفحه

مبارزات کارگری

صفحات ۷ و ۸

گرگندهای اسلامی

و معضل بی حجابی و ...

در حاشیه رویدادها کاظم نیکخواه ۴ صفحه

و خداوند فرمود: "ای خدا به فریادم برس!"

صفحه ۶

یاشار سهندی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



خلیل کیوان

استراتژی فعالیت در خارج کشور در دوره حاضر را تعریف کرد، راه کارهای تازه و موثر را نشان داد و تشکیلات خارج را در موقعیت مناسبی برای انجام وظایف دور آتی قرار داد.

کنفرانس ۱۱ نفر را (عبداله اسدی، نازنین برومند، سیامک بهاری، جلیل جلیلی، سهیلا خسروی، میترا دانشی، محبوبه سیاهمردی، محمد شکوهی، حسن صالحی، خلیل کیوان و علی محسنی) برای کمیته خارج کشور انتخاب کرد. کمیته در اولین جلسه خود به اتفاق آرا خلیل کیوان را بعنوان دبیر کمیته خارج انتخاب کرد.

کنفرانس با شرکت فعال نمایندگان و حاضرین در مباحث، پس از دو روز کار در فضایی صمیمی، پر شور و امیدوار پایان یافت. اسناد کنفرانس بزودی منتشر میشود.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۱۰ آوریل ۲۰۰۸، ۲۱ فروردین ۸۷

برخوردار میشود.

اصغر کریمی در معرفی سند سبک کار سخنرانی کرد و به تشریح جوانب مختلف فعالیت حزب در خارج پرداخت. او به نمونه هائی از روش کارهای موفق که مردم کشورهای مختلف را، در حمایت از مبارزات مردم ایران بمیدان آورد، اشاره کرد. اصغر کریمی در ادامه به ضرورت تغییرات اساسی در سبک کار و فعالیت در خارج که امکان دهد مردم جهان فعالانه در حمایت از مبارزات مردم ایران نقش ایفا کنند، پرداخت. او بر اهمیت و نقش سازمانها، نهادها و شخصیت های شناخته شده در این رابطه تاکید کرد.

عضوگیری وسیع در خارج کشور آخرین موضوع دستور جلسه کنفرانس بود. خلیل کیوان به تشریح سندی که در این مورد به کنفرانس ارائه شده بود پرداخت و ارکان پایه ای عضوگیری وسیع و اقداماتی که در این زمینه در هر کشور باید در دستور قرار گیرد را، توضیح داد.

کنفرانس سند ارکان سیاست حزب در خارج و سند سبک کار را به اتفاق آرا تصویب کرد. بررسی و تصویب سند عضوگیری بعلت ضیق وقت بعهده کمیته منتخب کنفرانس واگذار شد.

کنفرانس همچنین به اتفاق آرا تصویب کرد که پیامی به مردم در مورد ضرورت فعالیت متحد، گسترده و موثر بین المللی در جهت انزوای بین المللی جمهوری اسلامی، صادر کند.

حمید تقوائی در سخنرانی اختتامیه خود بر جایگاه و نقش کنفرانس در جهت انزوای بین المللی جمهوری اسلامی تاکید گذشت. او گفت این کنفرانس ارکان سیاست و

مینا احدی در مورد ضرورت تشدید و گسترش مبارزه در دفاع از سکولاریسم سخنرانی ایراد کرد. او به جدال های اخیر که بین سکولاریسم و اسلام سیاسی و حامیان آنها در جریان است پرداخت و بر نقش حزب در جهت تقویت این مبارزه تاکید کرد.

عبداله اسدی دبیر فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی در باره فدراسیون سخن گفت و بر لزوم تقویت این نهاد و گسترش فعالیت های آن تاکید کرد. عبدالله اسدی گفت فدراسیون سازمانی وسیع و بسیار محبوب است و در ادامه، کادرها و فعالین حزب در خارج کشور را به ایفای نقش هرچه بیشتر برای تقویت فدراسیون فراخوان داد.

در معرفی سند فعالیت بین المللی حزب برای انزوا و طرد جمهوری اسلامی ایران، حمید تقوائی سخنرانی میسوطی ایراد کرد. وی گفت فعالیت بین المللی ما در این دوره، نقش تعیین کننده ای در شکل دادن به جبهه سوم در تقابل دو قطب تروریسم دولتی بسرکردگی آمریکا و تروریسم اسلامی بسرکردگی جمهوری اسلامی دارد و اضافه کرد مردم جهان در تقابل دو قطب باید نمایندگی شوند. وی تاکید کرد که زمینه تحرك بین المللی در مقابل رژیم اسلامی مهیا است. مردم جهان مستقیماً در سرنگونی جمهوری اسلامی ایران ذینفع اند. از این نظر، مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی يك امر بین المللی شده است. وی گفت انزوای بین المللی رژیم اسلامی، سرنگونی آنرا تسریع میکند. در این دوره سیاست انزوا، طرد و آفریقای جنوبیزه کردن رژیم اسلامی، از مقبولیت زیادی

از صفحه ۱ دومین کنفرانس تشکیلات ...

تحولاتی مهم قرار گرفته است. لذا، این کنفرانس جایگاه ویژه ای در کار و فعالیت ما در خارج کشور دارد. فصل تازه ای در فعالیت ما در خارج کشور آغاز میشود.

در مبحث گزارش، خلیل کیوان در مورد فعالیت حزب در خارج کشور سخنرانی داشت. او ابتدا به موضوعات و عرصه های متنوع فعالیت حزب در خارج اشاره کرد و بر اهمیت همه آنها تاکید گذاشت و به سنن فعالیت سیاسی در خارج کشور در پیش از انقلاب و پس از آن اشاره کرد. او گفت نوع و دامنه وظایف ما در دوره های مختلف با توجه به تغییر و تحولات سیاسی، متفاوت بوده است. وی اضافه کرد که جریان ما در دوره های مختلف در حین پرداختن وظایف خود، در کار شکل دادن به يك سنت متفاوت کار در فعالیت خارج کشور نیز بوده است. فعالیت بین المللی ما با توجه به تحولات دو دهه اخیر و بهم پیوستگی بیش از پیش جهان امروز، مهمتر شده است. تخصصات دو قطب تروریسم بین المللی دولتی و جریانات اسلامی و در راس آنها جمهوری اسلامی ایران، تشدید کشمکش ارتجاع مذهبی- بویژه اسلام سیاسی- با سکولاریسم در مقیاس بین المللی، نقش ویژه ای به فعالیت بین المللی ما داده است. او تاکید کرد که برای ایفای نقش موثرتر در تحولات جهانی و در ایران، باید سازمان حزبی گسترده تر، محکمتر و کارآمدتر در خارج داشت. توجه به حزب و حزیت و عضوگیری وسیع و گسترش سازمان حزب، باید بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.

خلیل کیوان دبیر کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری و سرود انترناسیونال و يك دقیقه سکوت به یاد جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و بیاد منصور حکمت عزیز، سخنرانی افتتاحیه او شروع شد.

سپس، آئین نامه و دستور جلسه تصویب گردید. دستور کنفرانس شامل: گزارش، ارکان سیاست حزب در خارج برای انزوای بین المللی جمهوری اسلامی، مبانی سبک کار حزب در خارج و عضوگیری وسیع بود. "آئین" از جانب يك سازمان چپ از فرانسه نیز، پیامی به کنفرانس داد. صلاحیت نمایندگان مورد بررسی قرار گرفت و تصویب شد. عصر روز شنبه نیز سمیناری در باره حزیت توسط حمید تقوائی برگزار شد.

خلیل کیوان در سخنرانی افتتاحیه خود تاکید کرد در سالهای اخیر روندهای سیاسی بین المللی و روندهای داخلی در ایران، تغییرات بسیاری کرده است. گرایش به چپ و رجوع به مارکس در بسیاری از کشورها رشد کرده است، سکولاریسم چپ در مقابل تعرض مذهب به زندگی مردم، جسورتر و قویتر شده است. در ایران، جامعه به چپ چرخیده است. چپ در جهت تبدیل شدن به يك نیروی اجتماعی، گام ها بجلو برداشته است. آلترناتیوهای غیر کارگری و غیر سوسیالیستی بی افق تر شده اند. حزب در این روندها موثر بوده است. این روندها بر وظایف و عملکرد تشکیلات خارج کشور حزب تاثیر گذاشته است. فعالیت خارج کشور در آستانه

یک دنیای بهتر

برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید

مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



از صفحه ۱

کمیته اعتصاب ...

تعداد قابل توجهی اعتصاب شکل گرفته است. کمیته اعتصاب يك ارگان مهم رهبری اعتصاب است که بیش از پیش مورد استقبال فعالین و رهبران کارگری قرار گرفته و در سالهای اخیر در جریان بسیاری از اعتصابات تشکیل شده است. جا دارد به بحث حول جوانب مختلف آن پردازیم.

روشن است که اعتصاب يك اقدام مبارزاتی علنی است و بدون رهبران علنی به جایی نمیرسد. در هر اعتصابی تعدادی از کارگران مبارز و بانفوذ جلو می افتند و اعتصاب را رهبری میکنند و همه از دولت و وزارت اطلاعات و مدیر و کارفرما و توده کارگران آنها را می شناسند و بر نقش آنها واقفند. اما این بدان معنی نیست که رهبری يك اعتصاب، هیچ مکانیزم مخفی ای ندارد. تجربه هزاران اعتصاب نشان داده است که رهبری آنها هم مخفی است هم علنی. اعتصاب حرکتی علنی است و رهبران علنی میخواهد و هیچ اعتصابی فقط به شیوه مخفی و به کمک رهبران مخفی عملی نمیشود. کسانی باید مقابل چشم همه، رفقای خود را هدایت کنند، اعتصاب را چپ و راست کنند، مذاکره کنند و علنا جواب کارفرما و عوامل حکومت را بدهند و بر تردید رفقای خود غلبه کنند. بنابراین تعدادی از رهبران اعتصاب علنی هستند و همه آنها را میشناسند. اما برای مقابله با توطئه های متعددی که علیه رهبران اعتصاب صورت میگیرد، برای جلوگیری از اخلاص و بهم خوردن اعتصاب و بویژه برای تدارک از قبل يك اعتصاب، کارگران در عمل محافل و جمع هائی دارند که مخفیانه درمورد چند و چون اعتصاب بحث میکنند و تصمیم گیری میکنند. کمیته اعتصاب شکل جا افتاده و سازمانیافته رهبری اعتصاب است.

کمیته اعتصاب ترکیبی از کارگران پیشرو و فعال است که

جنبه های مهم يك اعتصاب است که اکثرا در کمیته اعتصاب مورد بحث قرار میگیرد، حول آنها تقسیم کار میشود و توسط رهبران علنی و یا برخی دیگر از کارگران بانفوذ به میان توده کارگران برده میشود.

کمیته اعتصاب و مجمع عمومی

معمولا بعد از شروع اعتصاب است که کارگران احساس قدرت میکنند، مجمع عمومی تشکیل میدهند، دست به تجمع و تظاهرات و راهپیمائی میزنند، شعار میدهند، پلاکاردها بلند میکنند، جانی را اشغال میکنند، مقام و مسئولی را هو میکنند و سخنرانی اش را به هم میزنند و غیره. در شرایط کنونی در بسیاری اوقات، کارگران قبل از شروع اعتصاب ممکن است نتوانند مجمع عمومی برگزار کنند و درمورد اعتصاب در مجمع عمومی تصمیم گیری کنند، در نتیجه موضوع اعتصاب در کمیته اعتصاب مورد بحث و بررسی قرار میگیرد، اما با شروع اعتصاب برگزار می شود. در واقع خود رهبران کارگری و کمیته اعتصاب بیشترین تلاش را برای جمع کردن کارگران و تشکیل مجمع عمومی میدهند و در آن درمورد اعتصاب و ادامه آن، خواسته های آن، تجمعات همزمان و غیره بحث و تصمیم گیری میشود. در چنین صورتی مجمع عمومی، در کنار کمیته اعتصاب، به ظرفی برای هدایت و سازماندهی همه وجوه اعتصاب تبدیل میشود و کمیته اعتصاب را تکمیل میکند.

بهردرجه در جریان يك اعتصاب مجمع عمومی نقش بیشتری داشته باشد، کار کمیته اعتصاب راحت تر میشود، خطرات کمتری آنها تهدید میکند و پوشش محکم تری به فعالین و رهبران علنی و مخفی میدهد. با اینهمه و حتی در صورت برگزاری هرروزه مجمع عمومی، بدلیل فضای خفقان و فقدان آزادی بیان و اعتصاب، هنوز کارگران و رهبران آنها امکان بحث و تصمیم

گیری علنی درمورد همه وجوه اعتصاب را ندارند و بعضا در خود مجمع عمومی نیز مجبورند درمورد بعضی جنبه های اعتصاب بطور سر بسته حرف بزنند. در نتیجه کمیته اعتصاب، حتی در صورت برگزاری هرروزه مجمع عمومی، حیاتی است.

وظایف کمیته اعتصاب:

کمیته اعتصاب وظایف متعددی دارد که برای يك اعتصاب سازمان یافته و موفق ضروری است. از اطلاع رسانی به جامعه که اهمیت زیادی برای پیروزی يك اعتصاب دارد تا بسیج خانواده ها و جلب همبستگی داخلی و بین المللی با اعتصاب، تا بحث حول تاکتیک های اعتصاب و سایر جوانب آن موضوعات مختلفی است که در کمیته اعتصاب باید به بحث گذاشته شود و تصمیم گیری شود. اما همانطور که قبلا گفته شد، تاکید بر نقش کمیته اعتصاب در این زمینه مطلقا به معنی کم رنگ کردن نقش مجمع عمومی نیست. جنبه های مختلف کار به هر درجه ممکن است باید در مجمع عمومی مورد بحث قرار گیرد و توده وسیعتری از کارگران در آنها شریک شوند و نیروی وسیع آنها به جریان افتد. این یکی از جنبه های مهم آموزش کارگران نیز هست. در واقع کمیته اعتصاب وظیفه دارد کارهائی را که مجمع عمومی بدلیل فشارهای پلیسی قادر به انجام آن نیست، بهعهده بگیرد.

کمیته اعتصاب ظرف اتحاد کارگران پیشرو:

در شرایطی که طبقه کارگر فاقد تشکل های بزرگ و توده ای برای هدایت مبارزه کارگران در سطح کارخانه و در بعد سراسری است، کمیته های اعتصاب يك ابزار مهم متحد نگهداشتن کارگران، متشکل کردن کارگران و مبارزات روزمره آنها، و در عین حال ظرف مهمی برای شکل دادن به صف رهبران کارگری است و به همین دلیل در جریان اعتصابات شاهد تشکیل روز افزون کمیته های اعتصاب در مراکز مختلف کارگری میباشیم. کمیته

های اعتصاب، فعالین و رهبران کارگری را مجرب تر و ورزیده تر خواهد کرد، دانش تشکیلاتی آنها را افزایش خواهد داد و به نسل جدید و جوانتر فعالین کارگری فرصت میدهد در سطح رهبری کارگران و اعتصابات نقش ایفا کند و سرعت تجارب رفقای قدیمی تر خود را بیاموزند. با اینهمه کمیته اعتصاب حتی در شرایط کنونی تنها ظرف تجمع فعالین و رهبران کارگران نیست و کارگران پیشرو به اشکال مختلف و در سطح سراسری نیز به اقدامات بالارزشی در سالهای گذشته دست زده و پیشروی های قابل توجهی نیز داشته اند. این تلاش ها توجه کل طبقه کارگر را به مساله تشکل بیشتر نموده و عملی بودن آنرا در اذهان بیشتری جا انداخته و تحرك وسیعتری را در سطوح مختلف بوجود آورده است. هر قدم پیشروی در این زمینه راه متشکل کردن کارگران در سطح کارخانه را نیز هموارتر کرده است.

کمیته های اعتصاب در شرایط اعتلائی انقلابی نطفه های شوراهای واقعی کارگری هستند. سال ۵۷ به کمک همین کمیته های اعتصاب بود که شوراهای کارگری در بسیاری از مراکز کارگری بنیان گذاشته شد. فعالین و رهبران کارگری که امروز در شکل کمیته اعتصاب متشکل میشوند فردا ستون فقرات تشکل های سراسری و بزرگ کارگران از جمله شوراهای واقعی کارگری هستند.

طبقه کارگر برای هدایت اعتصابات روزمره خود، برای حضور در صحنه سیاسی جامعه، برای قرار گرفتن در صف مبارزه آزادیخواهانه مردم برای يك زندگی بهتر و رهائی از شرایط مشقت بار کنونی به تشکل های خود و به صف گسترده ای از رهبران خود نیاز دارد. کمیته های اعتصاب یکی از راههای تحقق این امر بزرگ در پیشروی طبقه کارگر و کل جامعه است و بنابراین لازم است با حساسیت مورد توجه فعالین کارگری قرار گیرد. *

... دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم

و بدون "خطر" سوسیالیسم به چه منجلابی بدل میشود!

در حاشیه رویدادها

کاظم نیکخواه



گرگندهای اسلامی و معضل بی حجابی

نمیکنند را لاپوشانی کنند. همه سران ریزودرشت حکومت میدانند که زنان در ایران زیر بار حجاب اسلامی و قوانین اسلامی نرفته اند. اما اگر مثل این آخوند مشهدی اعتراف کنند که میلیونها زن در ایران "بی حجاب" هستند در واقع اعتراف کرده اند که کلاه حکومت اسلامی شان پس معرکه است و در تحمیل قوانین اسلامی شکست خورده اند.

ثانیا اینکه زنان بی حجاب باید "براندازی" شوند نیز کنه تمایل و گرایش کل دم و دستگاه جمهوری اسلامی است. همین دولت احمدی نژاد را با يك مشت جلا جلا حرفه ای نظیر "پورمحمدی" و "آژه ای" و "شریعتمداری" و امثال اینها سرکار کشیدند که به جامعه یعنی همه زنان و مردم منجر از حکومت و قوانین اسلامی هجوم بیاورند و نسل کشی هایی مثل سال ۶۰ و ۶۷ را تکرار کنند اما نتوانستند. در نتیجه آنها که مستقیما دست اندرکارند فهمیده اند و حتما به نحو مناسبی به این کرگن مشهدی هم حالی خواهند کرد که حرف دهانش را بفهمد و کوتاه بیاید و گرنه وارد جنگی تمام عیار با مردم خواهند شد که اولین نتیجه اش خفه کردن صدای ناهنجار همه این فسیلهای از گور برخاسته تاریخ خواهد بود. بهررو باید به این یارو فهماند که روزی که زنان همه نه "بدحجاب" بلکه آشکارا به مفهوم دقیق کلمه بی حجاب بیرون بیایند یعنی حجاب های اسلامی را دور بپندازند و مردم ایران همه جنایتکاران مرتجعی را که یکبار تاز میدان شده اند و شب و روز دارند به آنها توهین میکنند را به محاکمه بکشند دور نیست.

وزیر شدن تخصصی میخواهد

اگر تا کنون فکر میکردید در جمهوری اسلامی تخصص معنی ندارد و آدمها بر اساس تخصصشان وزیر و وکیل نمیشوند این خبر کوتاه را بخوانید تا متوجه شوید که اینطور نیست. برای نمونه "وزیر نیرو" به دلیل توانایی پاسخ به معضلات مردم است که وزیر شده است و حقوقهای کلان میگیرد. به نقل از روزنامه تهران امروز: "به دنبال

افزایش شهرها و روستاهای درگیر خشکسالی در سال جاری وزارت نیرو از مردم و علما خواست تا نماز طلب بارش باران (استسقاء) بخوانند" چند نفر در این دنیا این توانایی را دارند که بفهمند موقع خشکسالی و گرمای طاقت فرسا که داد مردم را در آورده است، فورا باید به امامان جمعه فراخوان داد که دست به کار شوند و نماز باران بخوانند؟ تازه چند نفر همین کلمه "استسقاء" را میتوانند به درستی تلفظ کنند؟!

مکره آزاد شد

روزنامه اعتماد روز پنجشنبه ۲۲ فروردین خبر داد که مکره زنی که به سنگسار محکوم شده بود "پس از واکنشهای گسترده" سرانجام از سوی کمیسیون عفو و بخشودگی قوه قضائیه مورد عفو قرار گرفت و آزاد شد. جعفر دوست و پارتنر و پدر دو فرزند مکره را اما قبل از اینکه بشود نجات داد، با دستپاچگی و بطور مخفیانه در قزوین سنگسار کردند. آزادی مکره جای خوشحالی بسیار است و نتیجه همان "واکنشهای گسترده" یا در واقع مبارزات و کارزار گسترده ای است که در سطح جهان و در ایران به جریان افتاد و نام "کمیته بین المللی علیه سنگسار" و مینا احدی در راس آن میرخشد.

داستان زندگی مکره و جعفر یک سند و کیفرخواست علیه جمهوری اسلامی است. این دو یازده سال در زندان و شکنجه گاههای جمهوری اسلامی نگه داشته شدند. دوبار حکم سنگسار برایشان صادر شد. زندگی دو فرزند کوچکشان با زجر و محرومیت و زندان و تلاطمی فراموش نشدنی توأم شد. جرم مکره این بود که از شوهر سابقش کتک میخورد و خواهان طلاق بود. اما شوهرش حاضر به طلاق او نمیشد و قوانین اسلامی رسما طلاق او را صادر نکردند. او خانه شوهر سابقش را ترک کرد. از زبان خودش در روزنامه اعتماد اینطور میخوانیم: "شوهرم مرا طلاق نمی داد، و ادارم می کرد با او زندگی کنم، مرد بداخلاقی بود و کتکم می زد، ما سال ها بود که با هم اختلاف داشتیم و با یکدیگر زندگی نمی کردیم وقتی از طلاق ناامید شدم، تصمیم گرفتم با جعفر فرار کنم، من فکر می کردم بعد از این همه مدت جدایی و نداشتن رابطه دیگر عقدم با شوهر اولم باطل است به همین خاطر هم به صورت صیغه یی با جعفر ازدواج

احتمال می رفت این خبر فقط یک شایعه باشد زیرا هیچ يك از مسولان پرونده و دستگاه قضایی خبر را تایید نمی کردند. با این وجود شایعه سنگسار جعفر هر لحظه قوت می گرفت و منابع آگاه جزئیات بیشتری از این سنگسار را فاش می کردند تا اینکه ۲۴ ساعت بعد، سرانجام رئیس دادگستری قزوین برای ادای توضیحات مجبور شد به تهران بیاید و ساعاتی بعد جمشیدی سخنگوی قوه قضائیه با اعلام خبری اجرای حکم سنگسار جعفر را تایید کرد و در روزهای بعد مسولان اعلام کردند قاضی اجراکننده حکم خودسرانه اقدام به این کار کرده است و با وی برخورد خواهد شد. پس از آن منابع موقت در تاکستان قزوین اعلام کردند جعفر تا زمان انتقالش به قبرستان نمی دانسته است قاضی قصد اجرای حکم را دارد. هنگام اجرای حکم نیز فقط چند مامور و یک قاضی اجراکننده حکم حضور داشتند و جعفر را به چاله ای انداختند که ۱۰ روز قبل آماده شده بود".

اینکه يك قاضی در قزوین جعفر را سنگسار کرده در واقع توجیه کثیف و مسخره ای است برای گریز مقامات جمهوری اسلامی از فشار مبارزه علیه سنگسار در ایران و در سطح جهان. این توجیه طبعاً برای هیچکس قابل قبول نیست. وقتی در قوانین اسلامی حکومت سنگسار وجود دارد و دور انداخته نشده است، روشن است که هر آخوند جنایتکاری در این شهر و آن شهر میتواند آنرا علیه زنان و مردان به کار گیرد. جعفر نیبایست و وحشیانه قربانی میشد. مکره نیبایست اینچنین به زجر و عذاب و شکنجه دچار میشد. او گناهی نکرده است. و جعفر هم گناهی نکرده بود. دو فرزند کوچک آنها نیز که زندگیشان اینچنین به سیاهی و زجر کشیده شده گناهی نکرده اند. اگر مبارزه و کمپین گسترده بین المللی و اعتراض گسترده مردم در ایران نبود اکنون مکره را هم بی سر صدا و یا با سر صدا با سنگ و آجر زجرش کرده بودند. در این هیچ تردیدی نیست. يك انسان را ما مخالفین توحش اسلامی از سنگسار نجات دادیم. این جای خوشحالی بسیار است. اما روزی که این خشم و نفرت و مبارزات به هم پیوندند و کل جامعه را از شر این ماشین جنایت ضد بشری خلاص کند، جای خوشحالی بسیار بیشتر آن روز است.*

از صفحه ۱ اول ماه مه را با شکوهتر...

آز و بصدا در آوردن صدای اعتراض جامعه با خواستها و شعارهای رادیکالی همچون شعارهای آزادی، برابری، هویت انسانی، زنده باد سوسیالیسم، جنبش دانشجویی متحد جنبش کارگری و جنبش رهایی زن و... برگزار میشود. در شرایطی که در آن ما شاهد یک جنگ هر روزه بین کارگران و کل جامعه در مقابل این رژیم شلاق و زندان و سنگسار و شکنجه ای، امروز مردم در ایران بیش از هر وقت رژیم اسلامی و کلیت این نظام را به مصاف کشیده اند. این را در اعتراضات هر روزه کارگران، در شعارهای دانشجویان که میگویند ما زن و مرد جنگیم، بجنگ تا بجنیم، جنبش دانشجویی آماده قیام است، در تجمع اعتراضی یکماه قبل در آریا شهر در تهران با شعار جمهوری اسلامی نمیخواهیم! نمیخواهیم! و در رودرویی هر روزه مردم بصورت زیر پا گذاشتن قوانین ارتجاعی اسلامی و ایستادن در برابر طرحهای سرکوب آن تحت عنوان طرح امنیت اجتماعی و مقابله با بدحجابی و غیره و غیره به روشنی میتوان دید. در دل این جنگ و رودرویی آشکار است که امروز کارگران در ایران به استقبال اول مه، روز همبستگی جهانی کارگری میروند. در دل این شرایط است که بحث بر سر برپایی با شکوه این روز در میان محافل و جمع های کارگری داغ است و همه چیز حاکی از اینست

که اول مه امسال میتواند و باید به یک روز بزرگ قدرتمندی از سوی کارگران تبدیل شود. باید خود را برای این مصاف آماده کرد. باید به تدارک یک اول مه با شکوه و بزرگ برویم.

نقطه تاکید ها کجاست؟
چگونه به تدارک اول مه برویم؟

۱- برپایی یک اول مه مستقل و با شکوه امروز بطور واقعی چالش مستقیم رژیم است. با گرمیادداشت هر چه گسترده تر اول مه باید کاری کرد که زندانی کردن کارگر و دانشجو و معلم و صدور احکام زندان و شلاق برای رژیم بهایی بسیار گزاف تر از این داشته باشد و با تمام قوا باید جمهوری اسلامی را عقب برانیم.

۲- همانطور که اشاره کردم وادار کردن جمهوری اسلامی به آزاد کردن محمود صالحی که جرمش برپایی اول مه بود، یک پیروزی بزرگ در تحمیل به رسمیت شناختن این روز مهم به رژیم اسلامی است. باید این پیروزی را به سکوی پرشی برای برپایی هر چه قدرتمند تر اول مه و تثبیت کامل این روز به عنوان یک حق پایه ای کارگران در ایران تبدیل کرد.

باید با برپایی مراسم بزرگ و باشکوه اول مه، با مارش بزرگ هزاران نفره در این روز، با شعارهای کارگر زندانی آزاد باید گردد، دانشجوی زندانی آزاد باید گردد،

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شلاق جرم است و احکام شلاق محکوم است، جمهوری اسلامی، این رژیم شلاق و زندان باید از سازمان جهانی کار آئی ال او اخراج شود و مرگ بر سرمایه داری، زنده باد سوسیالیسم، اول مه امسال را به یک روز اعتراضی بزرگ و به روزی تاریخی در جنبش کارگری ایران تبدیل کرد.

۳- در شرایطی که ایران به مرکز تحولات سیاسی جهان تبدیل شده و توجه جهانیان بیش از پیش به مبارزات کارگران و مردم در ایران جلب شده است، باید کارگران از مراکز مختلف کارگری با نامه های اعتراضی خود به سازمان جهانی کار که اجلاس سالانه اش در پیش است، به حضور و پذیرش نمایندگان خانه کارگر و شوراهای اسلامی از سوی این سازمان معترض شوند و خواهان اخراج آنان گردند. نامه هایی که در آن اعلام شده باشد که اول مه حق مسلم ما کارگران است، احکام شلاق و زندان برای کارگران به جرم برپایی اول مه محکوم است و نمایندگان جمهوری اسلامی نمایندگان ما کارگران نیستند و از همه اتحادیه های کارگری در سراسر جهان بخواهند که از این خواست بر حق آنها حمایت و پشتیبانی کنند.

در اول مه امسال حزب کمونیست کارگری ایران نیز در ادامه سیاست اعلام شده خود، سیاست تحمیل به انزوا کشاندن جمهوری اسلامی در سطح جهان، بر روی اخراج جمهوری اسلامی از سازمان جهانی کار آئی ال او" تاکید گذاشته

و برای تحمیل آن به سازمان جهانی کار تلاش میکند. در همین رابطه از سوی کمیته همبستگی کارگری حزب کمونیست کارگری ایران پستی شن اعتراضی ای با خواست اخراج جمهوری اسلامی، این رژیم شلاق، این رژیم آپارتاید جنسی، این رژیم زندان و سرکوب و اعدام از سازمان جهانی کار و همه مراجع بین المللی باید اخراج شود، بیرون داده شده و در آن از همه سازمانهای کارگری و اناسنهای آزادیخواه در سراسر جهان خواسته شده است که با امضای این نامه اعتراضی همبستگی خود را با مبارزات کارگران و مردم ایران اعلام کنند.

۴- با صدای رسا اعلام کنیم که اول مه روز ما کارگران است و اجازه نمیدهم که مزدوران خانه کارگر و شورای اسلامی در همدستی با دولتشان به تقابل با ما به میدان بیایند. اول مه خیابانها از آن ماست و هر جا که اینها بخواهند بساطی برپا کنند، همان بلایی را بر سرشان خواهیم آورد که در دو سال گذشته بر سرشان آوردیم و بساطشان را با شعارهایمان و با مارش عظیم اعتراضی مان بر هم خواهیم ریخت.

۵- برای برگزاری با شکوه اول مه خود را سازمان دهیم. در همه جا، در همه شهرها و مراکز بزرگ کارگری کمیته های برگزار کننده اول مه، کمیته هایی که بخش های مختلف کارگری را در خود متحد کند، شکل دهیم. با بیانیه ها و تراکتیهایمان کل جامعه را به شرکت گسترده در قدرتمندی بزرگ کارگری در اول مه

آزادی محمود صالحی را شادباش میگویم

دفاع از حقوق کارگران بعنوان حقوق پایه ای خود و طبقه کارگر به حکم زندان خود معترض بود و وقتی در این روزهای آخر برای وی حکم بازداشت موقت صادر شد با دست زدن به اعتصاب غذا به اعتراض خود شدت داد. اما تجمعات کارگران و مردم آزادیخواه در برابر زندان سندانج، گسترش کمپین بین المللی در حمایت از وی و برای آزادی او و نقش درخشان همسرش و فرزندش در این مبارزه، کمک کرد تا او به اعتصاب غذایش خاتمه دهد و تحت فشار همین اعتراضات و ایستادگی محمود صالحی در زندان سرانجام رژیم اسلامی ناگزیر شد که عقب بنشیند و وی را از زندان آزاد کند.

جمهوری اسلامی بود. وی علیرغم اینکه دوره محکومیتش در روز ۴ فروردین امسال پایان می یافت و می بایست از زندان آزاد میشد، اما در آن تاریخ از زندان آزاد نشد. جمهوری اسلامی به جرم اعلام حمایت از مبارزات دانشجویان و همبستگی با اعتراضات زندانیان سیاسی در زندان سندانج برای وی پرونده جدیدی باز کرد و با حکم بازداشت موقت او را در زندان نگاهداشت.

محمود صالحی این دوره را با سختی و با بیماری شدید بسر برد. اما جسورانه ایستاد و با تاکید بر حق برپایی اول مه و

طبق خبری که کمیته دفاع از محمود صالحی منتشر کرده است روز یکشنبه ۱۸ فروردین محمود صالحی رهبر سرشناس و محبوب کارگری در ایران، از زندان آزاد شد. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی آزادی محمود صالحی را با همه افراد خانواده، بستگان و کل طبقه کارگر و همه انسانهای آزادیخواه و تمامی کسانی که برای آزادی وی از زندان تلاش کردند تبریک میگوید.

محمود صالحی از ۱۹ فروردین سال گذشته تا کنون به جرم برپایی مراسم اول مه و دفاع از حقوق کارگران در اسارت

فراخوانیم. از هم اکنون قطعنامه ویژه اول مه و شعارها و پلاکاردهایمان را سازمان دهیم و در دیوار را با شعارهای زنده باد اول مه روز همبستگی کارگری، برپایی اول مه حق مسلم ما کارگران است، زندانی سیاسی آزاد باید گردد، زنده باد سوسیالیسم، پر کنیم و فضای شهرها را به رنگ این روز در بیاوریم.

در یک کلام حرف من اینست که اول مه امسال باید بزرگ و با شکوه باشد، سرخ و رادیکال باشد، و با قطعنامه های رادیکال کوشش کیفرخواست کارگران علیه توحش سرمایه باشد. اول مه باید یک قدرتمندی بزرگ از سوی کارگران در برابر رژیم اسلامی باشد. اول مه را باید در همه شهرها در خیابانها و مراکز شهرها برپا کرد. باید مارش اول مه را سازمان داد و سرود انترناسیونال سرود همبستگی کارگری، سرود مهم این روز باشد. در اول مه امسال باید بار دیگر شاهد اتحاد جنبش دانشجویی، جنبش کارگری، جنبش رهایی زن و همه جنبش های اعتراضی در جامعه علیه توحش این رژیم سرمایه باشیم و این اتحاد و همبستگی را در شعارها و پلاکاردها و در حضور گسترده دانشجویان، زنان و بخش های مختلف جامعه در مراسم اول مه به نمایش بگذاریم. ملزومات برپایی چنین اول ماه مهی کاملاً فراهم است. باید با چنین چشم اندازی به استقبال آن برویم.*

سیاسی را به نمایش گذاشت. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی آزادی محمود صالحی را سکوی پرشی میداند برای پیشبرد مبارزه ای قدرتمند برای آزادی زندانیان سیاسی و با اتکا به این پیروزی، برای آزادی بدون قید و شرط منصور اسانلو دانشجویان زندانی و همه زندانیان سیاسی تلاش میکنند.

محمود صالحی از زندان آزاد شده است، اما رژیم اسلامی پرونده او را همچنان باز نگاهداشته است پرونده تشکیل شده برای محمود صالحی باید فوراً باطل و لغو گردد. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی بر لغو و باطل شدن همه

آزادی محمود صالحی یک پیروزی بزرگ برای کارگران و کل جامعه در ایران است. آزادی محمود صالحی گامی دیگر در جهت تثبیت حق برپایی مراسم اول مه روز جهانی کارگر بعنوان حق پایه ای کارگران و یک پیشروی بزرگ در جنبش کارگری ایران است. آزادی محمود صالحی گام مهمی برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی و شکستن فضای سرکوب و خفقان در درون زندان است. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی این پیروزی بزرگ را ارج میگذارد.

آزادی محمود صالحی راه واقعی مبارزه برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی و ضرورت یک کمپین گسترده قدرتمند در ایران و در سطح جهانی برای آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان

و خداوند فرمود: "ای خدا به فریادم برس!"

یاشار سهندی

یکی بود یکی نبود، زیر گنبد کبود غیر از خدا هیچکس نبود. همه در درساها درست از همین جا شروع شد که خداوند تنها بود. البته خدا همچنین تنهای تنها هم نبود، بارگاهش پر از فرشته بود که ول بودند و هیچ کاری نداشتند. این بود که خدا با وجود انبوه فرشتگان احساس تنهایی میکرد. یکی از روزها به حساب آسمانی، چون قوه درک بشر پایین است مشخص نیست که این روزها چند ساعت طول میکشید، خدا روی تخت خدایش لمیده بود و انبوه ریش خود را در دست گرفته بود و به فرشتگان خویش نظاره میکرد. در گوشه ای جبرئیل، ملک مقرب با آن قیافه ملیح که تاکنون هیچ زیباروی در زیبایی به پای او نرسیده، نشسته بود و پرور به خدا زل زده بود. در سویی آنکر و منکر کاری نداشتند، یک قل دو قل بازی میکردند. در سوی دیگر شیطان که هنوز ملک مقرب بود لبخندی شیطنت آمیز به لب داشت و نگاه از خداوند بر نمیگرفت. آن سو ترک صوراسرافیل نشسته بود و شیبور خود را برق می انداخت، گاهی نیز در آن میدمید و اعصاب همه را خطی میکرد. ملک مرگ، جناب عزرائیل با آن چهره دهشتناک صاف رویوی خداوند نشسته بود و در عمق چشمان خدا زل زده بود و خدا از نگاه مرگ آبر و وحشت کرد و نگاه از او بر گرفت. خداوند آهی کشید که چه کند و چه نکند که از دست این فرشتگان بیکاره رهایی یابد؛ آنها را خود خلق کرده بود ولی یادش رفته بود برایشان وظیفه تعیین کند که هر دم حمد و ثنای او را بجای آورند و بدتر از آن مقرر کرده بود که فناپایز باشند؛ این بود که از دست ایشان پاک کلافه بود. به خود در دلش اینچنین فرمود: دست عمه مان درد نکند با این خلق کردنمان! در این میان صوراسرافیل باز در شیبور خود دمید و صدای همه را در آورد اما این باعث شد که در مخ خداوند جرقه ای ایجاد شود که موجود دیگری خلق کند که از وحشت او آسایش نداشته باشد و مدام چاپلوسی او را بجای آورد. با خود گفت: این بار موجودی خواهیم آفرید ضعیف و ترسو، تمام

هستی و نیستی اش را در دست خواهیم گرفت.

پس خدا بر سر فرشتگان داد زد که آب و خاک فراهم بیاورند و ایشان آن دو را مخلوط کرد و گل ساخت. فرشتگان مقرب حیران در کار خدا به دستان او خیره ماندند که با مهارت تمام موجودی از گل ساخت که به مانند آنها دو پا و دو دست و یک سر داشت، خداوند آخر سر از روح خدایی خود از طریق دهان در آن دمید و آن موجود خاکی به آرامی چشمان خویش را باز کرد و نگاهی از سر بی تفاوتی به آفریننده خود انداخت سپس بر جوارح و اندام خود به دقت نظر کرد که اینها چی هستند. و خداوند از سر شوق فریاد برکشید: وتبارك اله احسن الخالقین!

خداوند روبه فرشتگان کرد و فرمود: سجده کنید بر او که اراده ما بر آن قرار گرفت که موجودی بیافرینم که پرستشگر ما باشد. همه فرشتگان اطاعت امر کردند جز شیطان که با گستاخی گفت: من و سجده کردن در پای این موجود گلی، زهی خیال باطل! و خداوند او را برای ابد از بارگاه خویش راند. شیطان یک نه گفت و هزار راحتی برای خود خرید، امری که سالیان در پی آن بود که از آن بارگاه الهی خلاصی یابد و برای خودش بچرخد و شاد باشد حال تحقق یافته میدید؛ این بود که بی درنگ فرمان خدا را اطاعت کرد و پشت سر خویش را هم نگاه نکرد و در حین رفتن البته به خدا قول داد که آرامش برای او نگذارد و تا میتواند حال او را بگیرد. سپس خداوند رو به موجود گلی کرد و فرمان داد: ای آدم - نامش را اینچنین نهاد - بر ما سجده کن که تو را آفریدیم. انسان که تازه از شناسایی خویش فارغ شده بود گفت: چیکار کنم! خداوند فرمود: سجده، به روی زمین بیفت و حمد و ثنای ما را بگو. آدم گفت: همین یک کار را بلد نیستم!

خداوند که انتظار نداشت در پیش فرشتگان چنین خوار شود و از سویی نمی توانست خود آنچه خلق کرده بود را از بین ببرد - این یعنی تو کار خدا اشکالی است و ممکن بود بقیه فرشتگان نیز به مانند شیطان ترمز کنند - خشم خود را فرو خورد و چنین مقرر فرمود که آدم به سیاره زمین تبعید شود. و رو به

انسان فرمود: حال خود برو ببینم به تنهایی میتوانی ادامه دهی یا خیر. حساب گستاخی تو را نیز در روز قیامت خواهیم داد وقتی که روز صد هزار سال را تجربه کردی و نیش مار قاشیه هر بار که تو را بگذرد دود شوی و دوباره به امر ما زنده شوی و هر بار به عذاب هولناکتر از عذاب پیشین دچار شوی و آنگاه پی خواهی برد ترمز از فرمان ما چه عقوبت سختی دارد و هیهات که آنگاه بسیار دیر خواهد بود.

فرشتگان انسان را کت بسته آوردند و در این دنیای فانی رها کردند و رفتند. و خداوند یکی از فرشتگان را وظیفه اش را چنین مقرر کرد که نگهبان او باشد و تمام احوالات او را گزارش کند. میلیونها سال گذشت و تعداد انسانها رو به فزونی گذاشت. این که انسان چگونه خودش را تکثیر کرد داستانی جداگانه دارد که نامش تکامل است و از حوصله ما خارج است. مهم این است که خداوند آن تحقیری که همان اول بسمه الله از سوی موجودی که خودش خلق کرده برایش بسیار سنگین تمام شده بود و در فکر روز انتقام بود و وقتی مرتب گزارش میرسید که مدام این موجود فانی زیاد میشود و اصلا هم خیالش نیست که خالقی داشته و عوض سپاسگذاری از او آتش را میپرستد یا به خورشید چشم دارد که پرتو گرمش را دریغ نکند بسیار آشفته میشد. پس مقرر کرد پیامبرانی از سوی او روانه شوند و این موجود خیره سر را به راه راست هدایت نمایند. دقیقاً یکصد و بیست چهار هزار پیغمبر آمدند و رفتند اما از پس این موجود خاکی بر نیامدند. اول خداوند فکر میکرد با یکی و دو تا رسول کار تمام است اما وقتی به خودش آمد دید به اندازه یک استادایوم پیامبر فرستاده اما این بشر درس عبرت نگرفت که نگرفت و کار خود را میکرد. از بین آنهمه رسول سه تای آخری کارشان گرفت و اسم و رسمی بهم زدند. بقیه حتی معلوم نیست کی بودند و چکار کردند. هیچکس نمیداند هفتاد و هفت هزار و هفتصد و هفتاد و هفتمین رسول حتی نامش چیست. این سه تای آخری را نیز خود خدا هم میدانست که بخاطر او نیست که اسمشان پایدار مانده بلکه برخی از

همین موجودات فانی به این طریق خلاق را میچاپند و اگر دم برآورند به نام او سر به نیستش میکنند. و خدا نیز به همین راضی بود که حداقل نامی از او هست. مخصوصاً در این سی سال آخری به حساب زمینی ما خداوند کیفور بود که یک جای روی کره زمین به نام او و دین آخرین که محمد رسولش بود حکومتی برقرار است و دمار از روزگار انسانها در آورده. اندام انسان را میبرند.

سنگسار میکنند. از بلندی مردم را پرت میکنند. اعدام میکنند و ... خلاصه کلام اینکه دل خداوند سیحان خنک شده بود که بعد از دویست سالی که حکومت او به نام کلیسا برافزاده بود و آن کلیسا هزاران سال انسانها را شکنجه داد تا خداوندگاری خدا را ثابت کند، اکنون دوباره نامش در طی سی سال که به اندازه همان هزار سال حکومت کلیسا ارزش دارد لریزه بر اندام همه می انداخت. چرخ روزگار چرخید و چرخید و دوباره و اینبار از دفعات قبل شدیدتر وجود کبریایی او زیر سوال رفته و فرشتگان خبر آورده بودند که رنسانس عظیم دیگری در راه است که صد رحمت به رنسانس قرون گذشته؛ کار به آنجا رسیده که کسانی که تا دیروز و اماد او بودند و طبق آیه های ارسالی او انسانهای متمرکز در قربانی میکردند حالا خاتم انبیا پیامبرانش را متهم میکنند که شاعر بی سواد بی بیش نبود. البته خداوند از دل بندگان خوب خویش خبر دارد که میخواهند وجود ذات اقدس او را از جنایت پاک کنند تا شاید نام خدا هنوز بر سر این موجود خاکی باقی بماند و بساط جهل و چپاول برقرار ماند. اما کار از کار گذشته و از هر سوی بنده گان خویش در محاصره افتادند و یکی از همین روزهاست، به حساب زمینی، که آخرین حکومت بندگان خوب خدا از ریشه بریفتند.

و خداوند بر تخت سلطنت خویش جلوس کرده بود. تخت درست وسط دایره میانی زمین فوتبال استادیوم قرار داشت. یک صدو بیست و چهارهزار پیامبر گرداگرد او روی سکوها نشسته بودند. فرشتگان مقرب در چهار سوی او ایستاده بودند. از صندلی های سکوها صدا در می آمد که از پیامبران در نمی آمد. مدت طولانی به حساب آسمانی گذشت تا اینکه خداوند دست از ریش خویش برگرفت و بر عصای خدایی

تلفن تماس و شماره حسابهای کمک مالی:

کمک های خود را میتوانید به این حسابها واریز کنید و یا از طریق تملاس با واحدها و مسئولین حزب در کشور های مختلف تماس بگیرید و راهنمایی بخواهید.

شماره حساب ها:

انگلیسی:

Account nr.
45477981

Sort code: 60-24-
23

Account holder: WPI

Branch: wood
green
Bank: Nat West

سوئد:

پست جیرو 3-60 60-639
صاحب حساب IKK

آلمان:

Rosa Mai
Konto. Nr.:
583657502
Bankleitzahl:
37010050
Post Bank

اگر از ایران ارسال میکنید: میتوانید از طریق دوستانتان در خارج به حساب های فوق واریز کنید، و یا با شماره تلفن ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸ تملاس بگیرید تا راه های دیگر را به شما معرفی کنیم. تقاضا میکنیم در همه موارد میزان و مشخصات مبلغ واریز شده و اسمی که باید اعلام شود را به ما اطلاع دهید.

خود تکیه داد و برخاست، باد در انبوه ریش او پیچید، خداوند در عذاب افتاد تا آن انبوه میوی را که بر صورتش افتاده بود کنار زند. خشم او که به مانند دیگی جوشان می مانست اکنون به مشابه آتشفشانی شده بود، پس فریاد بر آورد و فرمود: خاک عالم بر سرتان! از پس یک موجود ضعیف و فانی بر نیامدید. و از نعره او گرد باد عظیمی بر پا شد و همه رسولان را با خود برد و فرشتگان مقرب را نیز. و خداوند فرمود: ای خدا به فریادم برس! و عصا را بر فرق خود کوفت و ناپدید شد.*

جنایت بزرگ علیه کارگران کشت و صنعت امیرکبیر خوزستان ۵ تن از کارگران بدلیل سوجدوئی کارفرما جان باختند و تعدادی مجروح شدند

جنایت میداند. حزب کارگران کشت و صنعت امیرکبیر و کشت و صنعت های دیگر در این منطقه و کارگران کلیه مراکز کارگری را به اقدامی یکپارچه علیه ناامنی محیط کار، پرداخت غرامت به خانواده های کارگران جانباخته و تامین زندگی آنها و همچنین بزرگداشت همکاران خود فرامیخواند. باید یاد کارگران جانباخته را بزرگ داشت. میتوان در همه مراکز کارگری دست از کار کشید و به مراسم بزرگداشت کارگران جانباخته رفت و این مراسم را به اتحاد بیشتر کارگران، و اعلام کیفی خواست علیه این نظام ظالمانه و جنایتکارانه تبدیل کرد.

مرگ بر سرمایه داری

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ آوریل ۲۰۰۸، ۲۱ فروردین ۱۳۸۷

کارگران معلول میشوند و یا جان خود را از دست میدهند. کارفرما بخاطر سوجدوئی بیشتر پولی صرف ایمنی محیط کار نمیکند و دولت کارگر معترض را سرکوب و از حق تشکل و اعتصاب و اعتراض علیه این وضعیت محروم میکند. اینها دسته جمعی مسئول حوادث محیط کار هستند و باید پاسخگو باشند. حزب کمونیست کارگری مرگ کارگران کشت و صنعت امیرکبیر خوزستان را به خانواده ها و همکارانشان صمیمانه تسلیت میگوید و خود را در غم از دست دادن آنها شریک میداند. حزب عدم ایجاد تسهیلات ایمنی توسط دولت و کارفرماها را شدیداً محکوم میکند و آنها را رسماً مسئول این

میکنند. او علت مرگ این کارگران را ضربه مغزی و برق گرفتگی بر اثر پرت شدگی عنوان کرده است. اینها خبرهای ضد و نقیضی است که توسط مقامات این شرکت و رسانه های حکومتی منتشر شده اند. آنچه روشن است این است که کارفرما بخاطر سوجدوئی بیشتر حاضر به بهبود ایمنی محیط کار و آموزش کارگران نشده و باعث مرگ تعدادی از کارگران و مجروح شدن تعداد دیگری از آنها شده است. جان کارگر در این نظام و تحت این حکومت بی ارزش تر از آن به حساب میاید که حتی از کارگران مجروح و جان باخته اسمی به میان آید. مراکز کار در ایران قتلگاهی برای کارگران است و سالانه تعداد قابل توجهی از

جان خود را از دست دادند. او گفته است که در این حادثه همچنین ۳ نفر دیگر مجروح می گردند که برای مداوا به بیمارستان منتقل می گردند. وی احتمال علت حادثه را وقوع گاز گرفتگی خوانده است. یکی دیگر از رسانه های جمهوری اسلامی گفته است که نشت گاز در این شرکت منجر به انفجار و پرتاب کارگران به کانال فشار قوی برق شد که ۱۲ تن از کارگران این شرکت مجروح می گردند. معاون عملیات و حوادث مرکز فوریتهای پزشکی استان خوزستان گفته است که ۴ تن از مجروحان در محل حادثه به صورت سربایی درمان شدند و ۸ تن دیگر به بیمارستان منتقل میگردند که پنج تن از آنها در بیمارستان فوت

بنا به خبرهایی که برخی رسانه های جمهوری اسلامی اخیراً منتشر کرده اند، پنج تن از کارگران شرکت کشت و صنعت امیرکبیر خوزستان جان خود را بدلیل ناامنی محیط کار از دست دادند و تعدادی نیز مجروح شدند. بنابه خبر یکی از رسانه های دولتی، حدود ساعت ۱۱ روز ۱۶ فروردین ماه، یکی از کارگران شرکت کشت و صنعت امیرکبیر خوزستان به منظور تعمیر پمپ و اقدامات فنی بر روی آن، وارد منهول فاضلاب این شرکت شد که جان خود را از دست داد. رئیس اداره روابط عمومی این شرکت افزوده است که به دنبال مرگ این کارگر، چهار نفر دیگر نی برای نجات جان همکار خود به ترتیب وارد منهول فاضلاب شدند و هر چهار نفر

گزارشی از اعتراض کارگران و کارکنان دفتر مرکزی شرکت نفت تهران

مانند را بر نداشت که باعث اعتراض زیادی شد و از فردای آن دوباره سرویس را برقرار کردند، ولی گفتند موقت است.

الان قیمت غذا روزی ۲۵ تومان است ولی گفته شده است که بعداً ۱۵۰۰ تومان آن را اداره میدهد آنها صرفاً به کارمندان رسمی و به کارگران قراردادی و پیمانکاری تعلق نمیگیرد. سال گذشته میخواستند این کار را بکنند که وزیر نفت آتموقع از ترس اعتراض کارگران با آن مخالفت کرد.

در کل کارکنان نفت، حدود صد هزار نفر میشوند که آنهایی که جنوب و روی سکوی نفتی کار میکنند حقوق نسبتاً بهتری میگیرند ولی آنهایی که در بخش اداری کار میکنند حساب و کتابشان جداسست. در بخش اداری در تهران و بخش زیادی از کارگران و کارمندان بصورت پیمانی به کار اشتغال دارند که داتما در هراس از بیکار شدن هستند. *

۲۰ فروردین، مدیریت به میان کارگران آمد و آن را شایعه خواند و بدین ترتیب عقب نشینی کرد. این یک موفقیت برای کارگران بود. در کل بین کارگران رسمی و پیمانکاری و قراردادی به لحاظ مزایا تفاوت بسیار است. با کارگران پیمانی مثل برده رفتار میشود. نودری تپسی است که به میان کارکنان میاید و با آنها صحبت میکند و میخواهد نشان دهد که به صحبت آنان گوش میدهد و به آنها وعده و وعید میدهد و وقتی جوابی ندارد میگوید مصوبه دولت است. اما کارکنان دست او را خوانده اند. در هر حال اینها در مقابل جو اعتراض همه این مسایل را تکذیب کردند و در مورد سرویس ایاب و ذهاب و نهار تا کنون ابلاغیه ای نیامده و اوضاع تغییری نکرده است. اما بهر صورت در میان کارگران فضای اعتراضی بالائی وجود دارد و کارگران آماده اند که با کوچکترین تعرضی از طرف مدیریت و وزیر نفت اعتراض خود را نشان دهند. بطور مثال یکروز سرویس ساعت ۶ کارکنانی را که برای اضافه کاری می

گزارشی از آزاده مقدم
به کانال جدید
مدتی است که در شرکت نفت مدیریت و نودری وزیر نفت تلاش میکنند یکسری از مزایای کارگران و کارکنان را حذف کنند. از جمله مدیریت اعلام کرده است که مهد کودک را تعطیل میکند که بعداً با اعتراض کارگران و زنان کارگری که دارای فرزند خردسال هستند و احتیاج به مهد کودک دارند روبرو شد و عقب نشست. کارفرما نتوانست مهد کودک را ببندد ولی پولی را که بابت سوسید به مادران این کودکان داده میشد قطع کرد.

همچنین اخیراً بحث زدن مزایای دیگری به میان آمد از جمله: خصوصی شدن رستوران و محرومیت کارگران و کارکنان پیمانی از استفاده از رستوران و پول غذا. با خصوصی شدن رستوران کارگران و کارکنان پیمانی از امکان استفاده از ناهارخوری محروم میشوند. علاوه بحث از محروم شدن کارگران و کارکنان پیمانی از سرویس ایاب و ذهاب و قطع کمک هزینه بود که با بلند شدن زمزمه اعتراض روز

اعتصاب در پتروشیمی اوره و آمونیاک کرمانشاه

کارگران سه روز به مدیریت مهلت دادند

کارگران در همه بخشها را به اعتراض علیه این سیاست جنایتکارانه سرمایه داران و دولتشان فرامیخواند. حزب همه کارگران شرکت پتروشیمی اوره و آمونیاک کرمانشاه را به حمایت از رفقای اعتصابی خود فرامیخواند. پیروزی کارگران در گرو اتحاد و یکپارچگی آنها است. حزب همه مردم آزادیخواه کرمانشاه را به حمایت قاطع از اعتراض کارگران فرامیخواند. حزب از کارگران میخواهد که برای انعکاس مبارزات خود، اخبار اعتراضات خود را بموقع به حزب برسانند تا این اخبار را در اسرع وقت به اطلاع عموم برسانند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده با جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ آوریل ۲۰۰۸، ۲۱ فروردین ۱۳۸۷

بنابه خبری که به حزب کمونیست کارگری رسیده است، کارگران شیفتهای شب و روز شرکت پتروشیمی اوره و آمونیاک کرمانشاه روز دوشنبه ۱۹ فروردین ماه دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب از ساعت هشت و چهل و پنج دقیقه صبح شروع شد و به مدت ۴ ساعت ادامه داشت. اعتصاب کارگران در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد دو ماه بهمین و اسفند سال گذشته و عدم پرداخت حق سنوات دو سال گذشته کارگران است. مدیریت این شرکت بلافاصله نمایندگان کارگران را برای مذاکره فراخواند و قول داد که مطالبات کارگران را بپردازد. کارگران به آنها ۳ روز فرصت دادند که طلبهای کارگران را بپردازند، در غیر اینصورت کارگران اعتصاب خود را از سر خواهند گرفت.

حزب کمونیست کارگری عدم پرداخت بموقع دستمزدها و مزایای کارگران را محکوم میکند و همه

سوسیالیسم پیا خیز!
برای رفع تبعیض

سوسیالیسم جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است.

کارگران ایران صدرا و کیان تاپر باز هم اعتصاب کردند

اعتصاب کارگران هفت تپه امروز نیز ادامه داشت

قبلا به اطلاع رساندیم که ۵۰۰۰ کارگر ایران صدرا در بوشهر در اعتراض به اخراج ۴۰۰ نفر از همکاران خود، از اوایل فروردین دست به اعتصاب زدند و بعد از اینکه به نتیجه نرسیدند روز ۹ فروردین نیز دست از کار کشیدند و در مقابل استانداری بوشهر تجمع کردند. طبق گزارشی که به حزب کمونیست کارگری رسیده است کارگران این مجتمع برای سومین بار در فروردین ماه دست به اعتصاب زده و خواهان بازگشت به کار همکاران خود میباشند. کارگران یک هفته است در اعتصاب بسر میبرند.

۲۰۰۰ کارگر ایران تاپر در تهران نیز در هفته های گذشته بارها برای گرفتن دستمزدهای معوقه دست به اعتصاب زده اند. طبق آخرین گزارشی که به حزب رسیده است کارگران ایران تاپر از دو روز قبل دست به اعتصاب زده و امروز سومین روز اعتصاب را پشت سر گذاشتند. کارگران با روشن کردن آتش در محوطه کارخانه توجه کارگران مراکز اطراف را به اعتصاب خود جلب کردند. کارگران خواهان پرداخت فوری دو ماه دستمزد معوقه خود میباشند.

در اطلاعیه روز ۲۰ فروردین به اطلاع رساندیم که کارگران نیشکر هفت تپه دست به اعتصاب زده و اعلام کرده اند که روز ۲۱ فروردین نیز به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. طبق گزارشی که امروز دریافت داشته ایم، امروز نیز اعتصاب ادامه یافت و کارگران پیشنهاد مدیرعامل شرکت را نپذیرفتند. یعقوب شفیعی مدیر عامل شرکت به کارگران گفت که پاداش معوقه را پرداخت میکند اما حقوق معوقه را نمیتواند پرداخت کند و کارگران در مقابل اعلام کردند تا تمام حقوق و مزایای معوقه پرداخت نشود به اعتصاب ادامه خواهیم داد.

موضوع دیگری که مورد اعتراض و نگرانی کارگران نیشکر هفت تپه است، تهدید به بیکاری آنها است. بخش قابل توجهی از زمین های زراعی نیشکر برای کشت گندم به شرکت های دیگر فروخته شده است و بدین ترتیب سال دیگر زمینی برای کشت نیشکر نخواهد ماند و کارگران این شرکت با دو انتخاب خانمانسوز خرید سابقه خود و یا بازنشستگی روبرو خواهند شد. در غیر اینصورت میتوانند با نصف حقوق به این وضعیت بلاتکلیف

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرکز بر جمهوری اسلامی

زنده با جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۹ آوریل ۲۰۰۸، ۲۱ فروردین ۱۳۶۷

آزادی، برابری، حکومت کارگری
مرکز بر جمهوری اسلامی
زنده با جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۰ آوریل ۲۰۰۸، ۲۲ فروردین ۱۳۸۷

هزاران کارگر نیشکر هفت تپه باز هم اعتصاب کردند

بنا به گزارش رسیده به حزب کمونیست کارگری ایران، امروز ۲۰ فروردین ماه، بیش از ۴۰۰۰ کارگر نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد اسفندماه و پاداش خود دست به اعتصاب زدند. در این اعتصاب کلیه کارگران نیشکر هفت تپه بخش تولید، کشاورزی و کارگران نی بر شرکت دارند. طبق این خبر کارگران با یعقوب شفیعی مدیر عامل شرکت مذاکره داشتند اما مذاکره به نتیجه نرسید و کارگران از صبح امروز اعتصاب را شروع کردند. کارگران اعلام کرده اند که فردا نیز اعتصاب را ادامه خواهند داد.

در ماههای گذشته، کارگران نیشکر هفت تپه برای نقد کردن هرماه حقوق خود دست به اعتصاب زده اند

هفت تپه شایسته حمایت گرم همه مردم هستند.

حزب کمونیست کارگری از همه کارگران و مردم آزادیخواه بویژه کارگران و مردم منطقه و خانواده های کارگران اعتصابی می خواهد که به هر شکل میتوانند کارگران نیشکر را در رسیدن به خواستهای خود همراهی کنند. کارگران هفت تپه در پایان اعتصاب یازده روزه خود در سال گذشته بر تشکیل مجمع عمومی منظم تاکید کردند و اکنون بار دیگر باید با تمام قوا آنرا پیگیری کنند و به کرسی بنشانند. این ضامن اتحاد آنها، قدرت آنها و اتخاذ راه های موثرتر در مبارزه است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۸ آوریل ۲۰۰۸، ۲۰ فروردین ۱۳۶۷

از صفحه ۵ آزادی محمود صالحی ...

سوسیالیسم پا خیز!

برای رفع تبعیض

جمهوری اسلامی در قبال بازگشت سلامتی وی مسئول است. باید امکانات فوری مداوای وی تامین شود.

زنده باد همبستگی جهانی برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
۱۹ فروردین ۱۳۸۷ - ۷ آوریل ۲۰۰۸

پرونده هایی که برای کارگران، معلمان، دانشجویان و زندانیان سیاسی تشکیل شده و به استناد آنها رهبران اعتراضی در عرصه های مختلف مبارزه همواره تحت فشار و تهدید و زندان قرار دارند تاکید دارد و برای آن مبارزه میکند. همچنین هم اکنون محمود صالحی در وضعیت جسمی بدی بسر میبرد.

سایت حزب: www.wpiran.org

سایت روزنه: www.rowzane.com
نشریه انترناسیونال: www.INTERNASIONAL.COM
سایت کانال جدید: www.newchannel.tv

آدرس تماس با حزب:

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

Email: markazi.wpi@gmail.com

آدرس پستی

I.K.K

Box: 2110

127 02 Skärholmen - Sweden

مسئولیت صفحه بندی انترناسیونال
به عهده آرش ناصری است.

Tel: 0046-739318404

Fax: 0046-8 6489716

markazi.wpi@gmail.com

دفتر مرکزی حزب